

## تاریخچه سواد آموزی در ایران

### الف: قبل از انقلاب اسلامی

### ب: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

**الف:** در کشور ما نیز آموزش بزرگسالان به قدمت تاریخ آموزش و پرورش است از همان ابتدای سکونت آریایی ها در ایران که به تشکیل حکومت و تربیت افراد مورد نیاز برای اداره این حکومت دست زده اند، آموزش بزرگسالان نیز مطرح بوده است.

در ایران قبل از اسلام، آموزش و پرورش سخت طبقاتی بود و فقط عده محدود و خاصی از درباریان و اشراف زادگان از آن بهره مند بودند. می توان گفت که آموزش بزرگسالان در آن دوره بیشتر به تربیت جنگ آوران و فرماندهان نظامی و تربیت رهبران مذهبی و دبیران درباری اختصاص داشت.

بعد از نفوذ اسلام و گسترش فرهنگ اسلامی در ایران، محدودیت های طبقاتی برای آموزش و پرورش از میان رفت و حتی محدودیت های سنتی با توجه به «ز گهواره تا گور دانش بجوی» و واجب بودن آموختن علم و دانش برای هر فرد مسلمان نیز از بین رفت. به طوری که در مراکز آموزشی که بیشتر مساجد یا مدارس بودند شرط سنی برای استفاده از درس ها وجود نداشت. تمام این کوشش ها به صورت غیر رسمی و اغلب پراکنده انجام می شد.

پس از آشنایی ایرانیان با فرهنگ اروپایی و نفوذ آن به ایران، قبول مسئولیت دولت برای آموزش همگانی مردم مطرح شد و ایجاد مدارس دولتی مورد توجه قرار گرفت. در پی این تحول، موضوع آموزش بی سوادان بزرگسال نیز از سوی عده ای از علاقه مندان به گسترش فرهنگ و آموزش در میان مردم مطرح گردید. به طوری که نخستین کلاس اکابر در سال ۱۲۸۶ در دبستان رحمت شیراز با کوشش و همت جمعی از مشروطه خواهان تأسیس شد و مورد استقبال مردم واقع گردید.

برای آگاهی از چگونگی شکل گیری فعالیت های سواد آموزی در طول قرن گذشته و قرن حاضر تاریخچه اجمالی این فعالیت ها به طور فهرست وار ذکر می شود.

۱- سال ۱۲۸۶ تشکیل کلاسهای اکابر در شیراز به همت مشروطه خواهان که این سرآغاز فعالیت های سوادآموزی است.

۲- سال ۱۲۸۸ تصویب آموزش اجباری همگانی برای کودکان هفت سال به بالا.

۳- سال ۱۳۱۵ تصویب نظامنامه اکابر مبنی بر تشکیل کلاسهای اکابر در مدارس دولتی و موظف نمودن کارکنان بی سواد دولت و مؤسسات عمومی و پیشه وران جهت شرکت در این کلاس ها.

- ۴- سال ۱۳۲۲ آغاز فعالیت کلاس های آکابر.
- ۵- سال ۱۳۲۸ تأسیس اولین کلاس آموزش بزرگسالان در ورامین.
- ۶- سال ۱۳۳۵ تجدید نظر در برنامه تعلیمات اساسی و ایجاد بنگاه عمران وزارت کشور و تهیه و تنظیم کتابهای «همه با سواد شویم».
- ۷- سال ۱۳۴۱ ایجاد سپاه دانش.
- ۸- سال ۱۳۴۶ اجرای طرح تجربی سواد آموزی تابعی در اصفهان و دزفول.
- ۹- سال ۱۳۵۵ ارائه و اجرای طرح جهاد ملی سواد آموزی.

### **(۱) تعلیمات آکابر :**

نخستین اقدام رسمی برای آموزش بزرگسالان و مبارزه با بی سوادی در ایران از سال ۱۳۱۵ آغاز گردید و در محل دبستانهای روزانه کلاس‌هایی تحت عنوان «تعلیمات آکابر» به صورت شبانه تشکیل شد.

اهداف تعلیمات آکابر :

- ۱- توسعه آموزش همگانی
  - ۲- رفع بی سوادی در کشور
  - ۳- تشکیل محالس پرورش افکار
- طرح مبارزه با بی سوادی میان سالمندان با تدوین آئین نامه در تاریخ نوزدهم خرداد ماه سال یک هزار و سیصد و پانزده آغاز شد. این آئین نامه که مشتمل بر ۱۴ ماده بود برای نیل به اهداف فوق تهیه گردید و به تصویب هیئت وزیران رسید. در مواد دو و سه این آیین نامه آمده است:
- اداره تعلیمات اکابر یکی از ادارات وزارت معارف و رئیس آن از طرف وزیر معارف انتخاب و در مقابل او مسئولیت مستقیم خواهد داشت. اداره تعلیمات اکابر دارای یک نفر رئیس و یک نفر معاون و به عده لازم اعضا و اجزا خواهد داشت؛ وظایف تفصیلی اداره مذکور مطابق نظام نامه ای که به تصویب وزارت معارف خواهد رسید، معین می شود.

بر اساس سایر مواد این آیین نامه پیش نویس اعتبار لازم و چگونگی تأمین هزینه ها، منابع انسانی، محتوای آموزشی سازمان اجرا و برنامه‌ی عملیاتی انجام می پذیرفت که می تواند تدوین دستورالعمل تعلیماتی اکابر از اهم اقدامات به شمار رود.

- در این دستورالعمل کلیه‌ی روش ها و اصول مبارزه با بی سوادی مورد توجه قرار گرفت؛ این دستورالعمل موجب گردید تا در طی ماه های خرداد، تیر، مرداد و شهریور اداره آموزش سالمندان به تهیه مقدمات این مبارزه بزرگ پرداخته و اقدامات زیر را صورت دهد:

۱- تهیه محتوای آموزشی شامل کتاب های درسی و...

۲- بررسی و مطالعه و انتخاب روش های متناسب آموزش سالمندان و تدوین کتاب های راهنمای آموزشی

۳- تهیه و تدوین وسایل مورد نیاز

۴- بسیج آموزگاران در امر مبارزه با طرح

۵- آموزش و توجیه آموزگاران که می بایست در این امر به خدمت گرفته شوند و سازماندهی آنان

۶- توزیع کتاب های درسی و نوشت افزار در بین کلاس های طرح

با اجرای این طرح در طی سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ مجموعاً ۱۸۰ هزار نفر تحت پوشش قرار گرفتند که از این تعداد ۷۹ درصد در گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله بودند.

از بین مشاغل گوناگون باربران «حملان» بیش از سایر اقشار در کلاس ها شرکت کردند. قرین به افراد تحت پوشش، کشاورز بودند.

با توجه به تفاوت های آموزشی سالمندان و خردسالان، وزارت فرهنگ دو جلد کتاب برای این مقصود تألیف نمود که در سراسر کلاس های شبانه مورد استفاده قرار گرفت.

در ظرف این سه سال بالغ بر ۲۰۰۰۰۰ جلد از این کتاب ها چاپ و توزیع شد. علاوه بر این کتاب ها که به قیمت ارزان در دسترس سوادآموزان قرار داده می شد؛ رساله های کوچک و مصور دیگری «کتابچه» نیز تهیه و در اختیار نوآموزان سالمند به صورت رایگان قرار می گرفت.

در ظرف این سه سال بیست شماره از این رساله ها انتشار یافته و چون از هر کدام ۲۰۰۰۰ جلد چاپ شده تیراژ رساله های منتشره به ۴۰۰۰۰۰ بالغ می گردد.

گزارش این اقدامات در کتابچه ای در ۵۵ صفحه با ۲۱ تصویر، هفت نمودار و ۲۰ جدول آماری به یکی از زبان های اروپایی چاپ و منتشر شد که مورد توجه مؤسسات فرهنگی ملل قرار گرفته و از همه جا بخصوص دفتر بین المللی آموزش و پرورش و از انجمن جهانی آموزش سالمندان تبریک گفتند و خلاصه آن را در نشریات خود به چند زبان منتشر ساختند.

در نظام نامه تعلیمات اکابر مواردی چون تکلیف وزارت معارف در تاسیس مدرسه اکابر در تمام کشور و در محل های مقتضی، میزان تحصیلات در مدارس اکابر، بودجه مدارس اکابر، تعیین سن ۱۸ تا ۴۰ سال برای دانش آموزان و تعیین حداکثر ۴۰ نفر برای هر کلاس، زمان تشکیل کلاس ها، اجباری بودن تحصیل در این مدارس برای پاسبانان، ماموران جزو شهرداری و مستخدمان جزو ادارات دولتی و مؤسسات عمومی، تشکیل انجمن تربیت اکابر و اعضا و وظایف آن، تکلیف وزارت معارف در تهیه کتب و رسالات مناسب و اعطای گواهی فارغ التحصیلی به افراد واجد شرایط اشاره شده است.

### **معایب عمده تعلیمات اکابر :**

- ۱- افراد با زور و اجبار در کلاس های درس شرکت می کردند.
- ۲- تخصیص اعتبار بر مبنای تعداد کلاس ها و افراد شرکت کننده بود بنابراین دادن آمارهای خلاف واقع معمول شد.

## **آموزش سالمندان**

### **تعلیمات اساسی :**

جنگ جهانی و شرایط اجتماعی و اقتصادی آن دوران، فعالیت های سوادآموزی را برای مدتی متوقف کرد، اما در سال ۱۳۲۲ کلاس های سوادآموزی بزرگسال با عنوان آموزش سالمندان، کار خود را آغاز کرد، این کلاس ها وابسته به وزارت آموزش و پرورش بود.

پس از جنگ جهانی دوم (۱۳۲۵ - ۱۳۲۰) یونسکو نتایجی را که از اجرای یک برنامه آزمایشی در کشورهای هندوستان، مصر، مکزیک و فیلیپین به دست آورده بود منتشر کرد و سعی کرد آن را در سایر کشورها تعمیم دهد. این نتایج شامل برداشت جدیدی از آموزش بزرگسالان می شد که تحت عنوان «تعلیمات اساسی» (fundamental Education) مورد توجه برخی از کشورها قرار گرفت. دولت ایران نیز در سال ۱۳۳۲ تصمیم گرفت این برنامه را در مناطق روستایی کشور اجرا کند بنابراین این برنامه به طور تجربی در چند استان به اجرا درآمد و ۱۲۵ شهر و ۷۳۰ روستا در استان های مختلف تحت پوشش این طرح قرار گرفتند و نزدیک به ۳۰ هزار نفر از این برنامه استفاده کردند.

این برنامه به دلایل زیر نتوانست انتظارات مسئولان اجرایی را برآورده سازد :

۱- عدم ایجاد آمادگی کافی در مردم برای قبول تغییرات

۲- عدم تناسب محتوای برنامه ها با ویژگی های زندگی روستاهای انتخاب شده

۳- هزینه های سنگین این طرح

برنامه تعلیمات اساسی با توجه به دلایل مذکور بخصوص هزینه سنگینی که داشت سال ۱۳۳۰ متوقف شد و اداره آن به بنگاه عمران وزارت کشور سپرده شد.

در سال ۱۳۳۵ نهضت جدیدی برای مبارزه با بی سوادی آغاز شد. کلیه معلمان آمادگی خود را برای شرکت در این جهاد مقدس اعلام نمودند و در کلاسهای شبانه افتخاراً تدریس کردند. علاوه بر وزارت فرهنگ که مأمور مبارزه با بی سوادی بود سازمان های دیگر نیز در این راه همکاری می کردند.

۱- بنگاه عمران

۲- بنیاد خاور نزدیک

۳- ارتش

۴- وزارت خانه های کار و کشاورزی

در این میان بنیاد خاور نزدیک با استفاده از این فلسفه، از سال ۱۳۲۸ فعالیت های خود را در منطقه ورامین آغاز کرد، این بنیاد آموزش خود را بر پایه آگاهی های شغلی و اجتماعی پایه گذاری کرد و هدفش این بود

که از حدود خواندن و نوشتن فراتر رود و به رشد آگاهی مردم در زمینه بهداشت و تندرستی، کشاورزی، خانه داری، تربیت کودک و صنایع دستی کمک کند.

اگر چه این اهداف به نتیجه نرسید و در عمل، این برنامه نیز تنها به سوادآموزی برخی بی سوادان پرداخت، اما دست کم برای نخستین بار آموزش بزرگسالان به مفهوم واقعی خود نزدیک شد، هرچند اجرای این برنامه هزینه سنگینی داشت و گسترش آن در همه مناطق امکان پذیر نبود.

### **آموزش بزرگسالان :**

پس از ناکامی برنامه تعلیمات اساسی و توقف اجرای آن، با استفاده از تجارب بنیاد خاور نزدیک و بنگاه عمران تلاش تازه و دامنه داری برای هماهنگی و گسترش فعالیت های مربوط به آموزش بزرگسالان آغاز شد و مقرر شد که همه سازمان هایی که به نحوی با بزرگسالان بی سواد سر و کار دارند با وزارت فرهنگ تشریک مساعی کنند و وزارت فرهنگ برای اولین بار یک برنامه پنج ساله برای آموزش بزرگسالان و مبارزه با بی سوادی تنظیم کرد.

اقدامات مفید در این برنامه :

۱- تألیف کتاب «همه با سواد شویم»

۲- تدوین جزوات سودمندی در زمینه های کشاورزی و صنایع روستایی

با توجه به تبلیغاتی که برای تشویق بی سوادان به منظور شرکت در کلاس های این برنامه انجام شده بود و طبق آماری که ایران در سال ۱۳۴۳ به کنگره جهانی پیکار با بی سوادی ارائه کرد از سال ۱۳۳۴ تا سال ۱۳۴۳ بیش از ۳/۵ میلیون نفر از طریق این برنامه با سواد شده بودند.

## سپاه دانش

با وجود تمامی تلاش ها و وضع قوانین و مقررات مختلف در زمینه سوادآموزی بزرگسالان، در سال ۱۳۴۱ هنوز درصد بالایی از افراد از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند. به این ترتیب «سپاه دانش» در دل ارتش برای سوادآموزی کودکان و بزرگسالان تأسیس شد.

سپاه دانش نام یک نهاد آموزش دهنده در دوره سلطنت پهلوی دوم و نخست وزیر اسدالله علم بود که در سال ۱۳۴۱ خورشیدی بنیاد شد و در سال ۱۳۴۲ کار خود را آغاز کرد. این سپاه از دانش آموختگان دوره کامل متوسطه تشکیل می شد بر پایه لایحه‌ای مصوبه بهمن ماه ۱۳۴۱ مجلس ایران تأسیس شد.

### **قانون استفاده از مشمولان لیسانسیه و بالاتر در سپاه دانش - - مصوب ۱ دی ۱۳۴۵ مجلس شورای ملی و ۲۶ آذر ۱۳۴۵ مجلس سنا. این قانون در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۴۵ به توشیح شاه رسید.**

ماده ۱ - به وزارت جنگ و وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می شود در هر دوره تأمین احتیاجات برای حداقل هر بیست نفر درجه دار سپاهی دانش یک تن از مشمولان دارای دانشنامه لیسانس و بالاتر که بلا مانع و مازاد بر احتیاجات نیروهای مسلح شاهنشاهی و سپاه بهداشت و سپاه ترویج و آبادانی باشد برای افسری سپاه دانش انتخاب و جهت راهنمایی و نظارت در کار سپاهیان دانش تربیت کنند.

تبصره - لیسانسیه‌های رشته‌های تعلیم و تربیت در تأمین احتیاجات سپاه دانش مقدم خواهند بود.

ماده ۲ - هزینه مربوط به اجرای این قانون به شرح زیر تأمین می شود:

الف - حقوق و مزایای ثابت کادر آموزش نظامی و هزینه غذا - مسکن - پوشاک - نوشت افزار و حقوق دوره آموزش سپاهیان مذکور در مدت اخذ تعلیمات در مراکز آموزش نظامی به عهده وزارت جنگ می باشد.  
ب - حقوق و مزایای مأموران آموزش فرهنگی در دوره تعلیماتی و همچنین حقوق و مزایای افسران سپاه دانش در مدت خدمت در سپاه دانش و هر نوع هزینه مربوط به آنان در این مدت از طرف وزارت آموزش و پرورش پرداخت خواهد شد.

ماده ۳ - مفاد مواد ۳ و ۵ و ۶ قانون سپاه بهداشت مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۳ و همچنین آن قسمت از قوانین مربوط به سپاه دانش که با این قانون مغایرت نداشته باشد در مورد مشمولان لیسانسیه و بالاتر که به سپاه دانش اختصاص داده می شود لازم‌الرعايه است ولی مشمولان مزبور از لحاظ انجام خدمات فرهنگی تابع قوانین و مقررات آموزش و پرورش می باشند.

ماده ۴ - آیین نامه اجرایی این قانون از طرف وزارت جنگ و وزارت آموزش و پرورش تنظیم و پس از تصویب هیأت وزیران به موقع اجرا گذارده می شود.

ماده ۵ - وزارت جنگ و وزارت آموزش و پرورش مأمور اجرای این قانون می باشند.

قانون بالا مشتمل بر ۵ ماده و یک تبصره که در تاریخ ۱۳۴۵۰۹۰۲۶ به تصویب مجلس سنا رسیده بود در جلسه روز پنجشنبه اول دی ماه یک هزار و سیصد و چهل و پنج شمسی مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت.

رییس مجلس شورای ملی - مهندس عبدالله ریاضی

دلایل متفاوتی برای وجود بی سواد بی در جامعه وجود داشت که عبارتند از :

۱- وسعت کشور و پراکندگی جمعیت

۲- کثرت روستاها و فقدان راههای ارتباطی

۳- فقر و کمبود درآمد روستائیان

۴- کوچ نشینی عشایر

۵- کمبود نیروی انسانی کار آزموده

۶- تمرکز فعالیت ها و خدمات رفاهی و اجتماعی در شهرها

با این طرح مقرر شده عدّه ای از جوانان دیپلمه که دوره سربازی خود را می گذراندند، به با سواد کردن بی سوادان روستاها پردازند. برای تکمیل این طرح در سال ۱۳۴۷ طرح مشابهی به نام «قانون خدمات اجتماعی زنان» به تصویب رسید.

اهداف سپاه دانش :

۱- ریشه کن ساختن بی سواد بی در جامعه

۲- افزایش سطح اطلاعات و آگاهی مردم نسبت به امور کشور



۳- آگاه ساختن روستائیان به روش‌های جدید کشاورزی

۴- تشویق روستائیان به عمران و آبادی

۵- تشویق روستائیان به استفاده از روش‌های بهداشتی در زندگی

آموزگاران سپاه دانش یک دوره ۴ ماهه را در مرکزهای آموزشی ارتش می‌گذراندند و با درجه گروهبانی برای خدمت در سپاه دانش به وزارت آموزش و پرورش گمارده می‌شدند. خدمت آنان در سپاه دانش، خدمت زیر پرچم آن‌ها به شمار می‌آمد. سپاهیان دانش توانستند تا سال ۱۳۵۷ بیست و هشت دوره از پسران و هجده دوره از دختران در این سپاه خدمت کنند که شمار آن‌ها به بیش از یک صد هزار تن رسید. بسیاری از این دختران و پسران ایران پرست پس از پایان دوره سپاهیگری به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمدند و کار پر افتخار آموزگاری را ادامه دادند. برخی دیگر در راهبری خانه‌های اصناف به خدمت دولت درآمدند. هزینه مدرسه‌های سپاه دانش یک سوم مدرسه‌های هم ردیف خود بود. همه خدمات‌های فرهنگی و اجتماعی را سپاهیان به رایگان انجام می‌دادند.

### **کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی :**

در زمستان سال ۱۳۴۳ کمیته ای به نام کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی تشکیل شد که اکثر شخصیت‌های مملکتی در آن عضویت داشتند. ریاست این کمیته با اشرف پهلوی بود. نخست‌وزیر، وزیر آموزش و پرورش، وزیر اطلاعات، وزیر دارایی، وزیر کشاورزی، رئیس ستاد بزرگ ارتشداران، مدیر عامل کمیته‌ی پیکار جهانی با بی‌سوادی و ۵ نفر به پیشنهاد ریاست کمیته.

این کمیته هدف خود را به شرح زیر اعلام نمود : تعمیم آموزش و از بین بردن بی سوادی در ایران و استفاده از کلیه نیروها و منابع مالی و انسانی کشور در راه تعمیم این هدف و نیز به ایفای وظیفه‌ی ایران در کار مبارزه‌ی بین‌المللی با بی‌سوادی بود.

### **وظایف و اختیارات کمیته ملی پیکار جهانی با بی سوادی :**

۱- تشکیل کمیته‌های محلی پیکار با بی سوادی

۲- تشکیل کنفرانس ها و سمینارهای مربوط به پیکار با بی سوادی

۳- همکاری با سازمان های یونسکو و سایر مراکز آموزش جهان

۴- نظارت و بازرسی در حسن انجام کار

۵- جلب اعتماد و همکاری عموم مردم در امر پیکار با بی سوادی

کمیته‌ی ملی پیکار با بی سوادی، شهرستان قزوین را برای اجرای یک طرح راهنما در مبارزه با بی سوادی برگزید. بر اساس این طرح باید ۱۴۰ هزار نفر از ساکنان این منطقه، که بیش تر آنها روستایی بودند، خواندن و نوشتن یاد بگیرند. دلیل‌های گزینش این شهرستان عبارت بود از :

-مشکلاتی که در اجرای طرح مبارزه با بی سوادی در مقیاس وسیع با آنها رو به رو می شویم، در مقیاس کوچک تر در قزوین وجود دارد، از جمله : فقط یک سوم جمعیت این حوزه به زبان فارسی سخن می گویند؛ جمعیت آن بسیار پراکنده است و راه‌های ارتباطی بین دهکده‌ها بسیار پراکنده است.

-اجرای طرح توسعه‌ی قزوین، که هدفش فراهم کردن آب کافی است تا روش‌های کشاورزی قدیم را تغییر دهد، جنس غلات و بذر را مرغوب کند و به کار گیری کود شیمیایی را رواج دهد، بر نیاز به سوادآموزی افزوده است.

- شهر قزوین، که مرکز شهرستان است، به تهران نزدیک است و نظارت بر اجرای طرح را کارآمدتر می کند .

پس از اجرای چند طرح مشابه، سوادآموزی فراگیر با بهره‌گیری از سپاه دانش ادامه یافت، اما فقط ۳ میلیون را پوشش داد و از این تعداد نیز فقط یک میلیون کارنامه دریافت کردند .

با استفاده از تجارب حاصله طرح پیکار عمومی با بی سوادی از اوایل سال ۱۳۴۶ در سراسر مملکت به اجرا درآمد و برای جلب بی سوادان به کلاس‌های مبارزه با بی سوادی اقدامات زیر به عمل آمد.

۱- استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه و پوستر برای تشریح مزایای باسوادی.

۲- تطبیق ساعات کار کلاس‌ها با ساعات فراغت سوادآموزان.

۳- استخدام پرستار برای نگهداری کودکانی که مادران آنها در کلاس شرکت می‌کنند.

۴- ملزم کردن کارکنان بی سواد دولت به شرکت در کلاس‌ها.

### اقدامات کمیته پیکار جهانی با بی سوادی :

- انتشار ۱۳ کتاب برای نوآموزان
- انتشار ۴ کتاب تحت عنوان «بخوانیم و بهتر زندگی کنیم» برای فارغ التحصیلان
- انتشار روزنامه ای تحت عنوان «روز نو» از شهریور ۱۳۴۷

۴- تدوین کتاب‌های خاص بزرگسالان در ۳ نوع

الف- برای مناطق روستایی

ب- برای مناطق شهری

ج- برای منطقه آذربایجان

وضعیت جمعیت بی سواد ۶ ساله و بالاتر کشور در سال ۱۳۵۵ ( درصد از جمعیت)

روستا	شهر	کل کشور	
۵۶/۴	۲۵/۶	۴۱/۱	مرد
۸۲/۷	۴۴/۴	۶۴/۵	زن
۶۹/۵	۳۴/۵	۵۲/۲	جمع

### علل عدم موفقیت کمیته ملی پیکار جهانی بی سوادی :

- برنامه ریزی نامطلوب
- عدم انطباق طرح‌ها با نیازهای مناطق مختلف کشور و امکانات دستگاه‌های اجرایی
- ضعف نظارت و کنترل دقیق

▪ نبودن یک نظام ارزشیابی علمی

به دلیل عدم موفقیت برنامه های سوادآموزی و تحقق نیافتن اهداف، طرح های گوناگونی در این زمینه به اجرا درآمد. از سال ۱۳۵۰ فعالیت های سوادآموزی عملاً به سازمان ها و وزارت خانه های مختلف واگذار شد.

**طرح هایی که در این دوره تصویب و به اجرا درآمدند عبارت بودند از :**

۱- طرح سوادآموزی کودکان واجب التعلیم

۲- طرح سوادآموزی بزرگسالان

۳- طرح سوادآموزی کارگران

۴- طرح سوادآموزی زنان

۵- طرح با سواد کردن افراد در نیروهای مسلح

۶- طرح تربیت مأموران چند پیشه

۷- طرح سوادآموزی حرفه ای

### **فعالیت های سوادآموزی تابعی در ایران**

پس از تلاش های چندین ساله سوادآموزی در سطح جهان و بررسی نتایج این تلاش ها، سرانجام وزیران آموزش و پرورش کشورهای جهان در گردهمایی تهران در سال ۱۳۴۴ مفهوم سوادآموزی تابعی را به عنوان برداشتی کامل و موثر از سواد پذیرفتند. در پی این توافق همگانی، قرار شد طرح یاد شده به صورت آزمایشی در ۱۱ کشور جهان از جمله ایران به اجرا در آید. گفتنی است منظور از سوادآموزی تابعی یا حرفه ای، آموزش سواد و علوم با توجه به شغل افراد و یاد دادن مهارت های مربوط به حرفه آنان همراه با سوادآموزی است.

به این منظور دو قطب صنعتی و کشاورزی کشور یعنی اصفهان و دزفول برای اجرای آزمایشی طرح انتخاب شدند و از سال ۱۳۴۶ طرح های سوادآموزی تابعی در این دو منطقه به اجرا درآمد. از نکات قابل توجه در آمار سوادآموزان تابعی (حرفه ای) سرعت بیشتر رشد تعداد سوادآموزان زن به سوادآموزان مرد

است، به طوری که با گذشت زمان تعداد سوادآموزان زن بر سوادآموزان مرد پیشی گرفته است. همچنین در سال‌های ۵۲-۱۳۵۰ تعداد سوادآموزان کاهش یافته است. آمار نشان می‌دهد این طرح تا سال ۱۳۵۶ فعال بوده است و حتی به شهرهای دیگری مانند ساوه و یزد گسترش پیدا کرده است.

اگر چه در سوادآموزی تابعی ایران تقریباً تمام اصول پیش گفته به عنوان راهبردهای اصلی در نظر گرفته شده بود، لکن به دلیل تاکید زیاد بر محتوای حرفه‌ای برنامه‌ها مسئله آگاه سازی سوادآموزی بسیار ضعیف جلوه کرد.

این طرح که یکی از پرخرج ترین طرح ها بود، مرداد سال ۱۳۵۲ دوره آزمایش طرح سوادآموی حرفه ای به پایان رسید.

### آمار سوادآموزان تابعی (حرفه‌ای) ایران طی سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۵۶

- سال تحصیلی ۴۷-۱۳۴۶: ۳۰۵۳ نفر
- سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷: ۷۱۷۹ نفر
- سال تحصیلی ۴۹-۱۳۴۸: ۱۰۴۶۳ نفر
- سال تحصیلی ۵۰-۱۳۴۹: ۵۴۰۷۷ نفر
- سال تحصیلی ۵۱-۱۳۵۰: ۳۳۶۰۰ نفر
- سال تحصیلی ۵۲-۱۳۵۱: ۱۷۱۱۳ نفر
- سال تحصیلی ۵۳-۱۳۵۲: ۲۴۰۹۵ نفر
- سال تحصیلی ۵۴-۱۳۵۳: ۳۰۸۱۱ نفر
- سال تحصیلی ۵۵-۱۳۵۴: ۵۲۷۶۱ نفر
- سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵: ۶۷۷۸۰ نفر

به‌طورکلی از آغاز پیدایش کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی در سال ۱۳۴۳ تا پایان آخرین طرح مبارزه با بی‌سوادی (طرح جهاد ملی سوادآموزی) موفقیت‌های بدست آمده ناچیز بوده و مسئولان کمیته پیکار با بی‌سوادی برای گریز از واقعیت‌ها به ساختن آمار غیر واقعی می‌پرداختند. صرفنظر از عدم انسجام سازمانی و آشفتگی برنامه ریزی، یکی از مهمترین موانع و مسائل کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی، تضاد سیاست‌ها و خط مشی آن سازمان با سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش بود.

درواقع، آموزش و پرورش با تکیه بر ارزشها و اصول جاری خود، توان پذیرش طرح‌های غیر رسمی و گاه ابداعی سوادآموزی را نداشت و همین امر سبب می‌شد تا فعالیت‌های سوادآموزی مورد بی‌مهری آموزش و

پرورش قرار گیرد. یکی از نتایج این امر، کاهش اعتبارات کمیته ملی پیکار در برنامه آموزش کودکان و انتقال اعتبارات آن به آموزش و پرورش بود.

### سوادآموزی از طریق تلویزیون :

سوادآموزی از طریق رادیو نیز موفقیتی بدست نیاورد. بررسی علل ناکامی این طرح نشان داد که سوادآموزی مستقیم از رادیو و تلویزیون اثر چندانی ندارد و تنها حمایت‌های غیر مستقیم و برنامه‌های تکمیلی از تاثیر بیشتری برخوردار است. در هر حال، سوادآموزی تابعی برتری خود را نسبت به سایر برنامه‌های سوادآموزی گذشته ثابت کرد و برای تکامل آن طرح جهاد ملی مبارزه با بی‌سوادی در سال ۱۳۵۵ شکل گرفت.

### جهاد ملی سوادآموزی :

«جهاد ملی سوادآموزی» آخرین سازمانی بود که قبل از انقلاب اسلامی در ایران تأسیس شد و مسئولیت با سواد کردن را بر عهده گرفت. این سازمان از سال ۱۳۵۴ فعالیت خود را آغاز و تا سال ۱۳۵۷ به کار خود ادامه داد. هدف این طرح ریشه کن ساختن بی‌سوادی تا سال ۱۳۶۶ اعلام شد.

این سازمان همانند فعالیت‌ها و برنامه‌های دیگر کشور تحت الشعاع رویدادهای انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت و به کلی تعطیل شد.

### نتیجه‌گیری :

بعد از سالها فعالیت غیر رسمی و نزدیک به پنجاه سال فعالیت رسمی در مورد مبارزه با بی‌سوادی موفقیت چندانی به دست نیامد.

عوامل شکست برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی :

الف) عوامل برون سیستمی	ب) عوامل درون سیستمی
۱- وسعت کشور و پراکندگی جمعیت.	۱- نداشتن اهداف منطبق با ویژگی‌های اعتقادی و فرهنگی جامعه
۲- کثرت روستاهای کم جمعیت.	۲- وجود فساد و تشریفات بی‌مورد اداری
۳- فقر و کمبود درآمد روستائیان.	۳- عدم توجه به گسترش تعلیمات ابتدایی

۴- عدم توجه به با سواد شدن زنان و دختران	۴- کوچ نشینی عشایر.
۵- بی اعتنایی به مشارکت مردم	۵- کمبود نیروی انسانی کارآموده.
۶- نبود یک نظام هماهنگ نظارت، کنترل و ارزشیابی	۶- تفاوت فاحش زندگی در شهر و روستا.
۷- عدم استفاده از طراحان آموزش ملی	۷- وجود روحیه قضا و قدری و اعتقاد به خرافات.
	۸- تمرکز فعالیت ها و خدمات رفاهی و درمانی در شهرها.
	۹- وجود جو اختناق و استبداد که باعث واکنش منفی مردم شد.

### تحلیل کیفی سوادآموزی در ایران، پیش از انقلاب اسلامی

میزان باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر کشور در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۵ به ترتیب ۲۸، ۱۵ و ۴۱٫۷ درصد بوده است. نرخ سواد مناطق روستایی در این سالها نیز به ترتیب ۱۵، ۱۰ و ۲۵ درصد بوده است. با فرض صحت این ارقام، باز هم بررسی تطبیقی شاخصهای یاد شده روند نامطلوب سوادآموزی را نشان می دهد. باید اذعان کرد که بهبود و دگرگونی وضع دشوار زندگی توده های بی سواد تنها با سوادآموزی محض و بدون نشان دادن فواید و کاربردهای سواد و علوم مختلف در زندگی امکان پذیر نخواهد بود. ضروری است که بی سوادان بیش از هر چیز به آن دسته از اهداف و نیازهایی بیندیشند که با بهبود وضع زندگی آنان قرین خواهد بود. این امر سبب ایجاد یا تقویت انگیزه آنان برای مشارکت فعال در امور خواهد شد. در جریان همین مشارکت هاست که افراد بی سواد به اهمیت سوادآموزی بیشتر پی خواهند برد و در ضمن کسب شناخت و آگاهی از موانع رشد و پیشرفت شان، فعالانه در آموزش و تربیت شرکت خواهند کرد.

برخی از فعالیت های سوادآموزی در پیش از انقلاب موفق بوده اند که تدوین کتاب های درسی برای مردان و زنان روستایی و جمعیت های شهری از این جمله است. در این کتابها سعی شده است تا مواد آموزشی از یک سو با واقعیت ها و نیازهای فردی و اجتماعی هر گروه مرتبط باشد و از سوی دیگر ضمن تقویت فرایند آگاه سازی، به افزایش کارایی و پرورش قوه تحلیل و تصمیم گیری سوادآموز کمک نماید. تلاش برای آموزش کودکان لازم التعلیم از دیگر نکات مثبت برنامه سوادآموزی بود. از سوی دیگر بازگشت به بی سوادان، نیاز به دوره های تکمیلی را آشکار می ساخت.

## سواد آموزی پس از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کلیه فعالیت های جاری کشور تحت تاثیر فعالیت های سیاسی قرار گرفت. در چنین فضایی طبیعی است که کسی به فکر برنامه های عمرانی و فرهنگی نباشد. اما بعد زدودن عوامل رژیم گذشته و روی کار آمدن جمهوری اسلامی و تسلط انقلابیون بر اوضاع و فرونشستن تب سیاسی در کشور، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی «رحمة الله علیه» با درک عمیق از مشکلاتی که در اثر بی سوادی مردم در جامعه اسلامی بروز و ظهور می یابد، طی فرمانی موضوع بسیج سوادآموزی را صادر فرمودند.

در هفتم دی ماه سال ۱۳۵۸ سازمان نهضت سوادآموزی با هدف با سواد کردن خیل عظیم بی سوادان کشور تشکیل شد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی طی پیامی به ملت شریف ایران، اقشار مردم را به مبارزه ی فراگیر با نقیصه بی سوادی فرا خواندند و از مسئولان خواست تا آموزش و پرورش با تمام امکانات بپا خیزد و ریشه بی سوادی را از بن برکنند. بر همین اساس سازمان نهضت سوادآموزی به عنوان یک نهاد انقلابی تأسیس شد.

بسم الله الرحمن الرحيم

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قرآن کریم)

ملت شریف ایران! شامی دانید که در رژیم گذشته آنچه که بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود، علاوه بر دیکتاتوری و ظلم، تبلیغات بی محتوی و پوچ را بهد چیز جلوه دادند بود، ملتی که در بهد ابعاد از حواج اولیه محروم بود و انمود می شد که در اوج ترقی است. از جمله حواج اولیه برای حرمت که در دیف بهداشت و مسکن، بلکه ممتراز آنها است، آموزش برای بچگان است. مع الاسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند، چه رسد به آموزش عالی. مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سید اسلام زندگی می کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. مایه در برنامه دراز مدت، فرهنگ و ادب کشور ما را به فرهنگ مستقل و خودکفایت تبدیل کنیم و اکنون بدون از دست دادن وقت و بدون تشریفات خسته کننده برای مبارزه با میوادوی بطور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنیم تا انشاء الله در آینده نزدیک، حرک نوشتن و خواندن ابتدایی را آموخته باشد. برای این امر لازم است تمام میوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران با سواد برای یاد دادن و با خنیزید وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات با خنیزید و از قریطاس بازی و تشریفات اداری بپرسینوز و برادران و خواهران ایلمی برای رفع این نقیصه در آوریج شوید و ریشه این نقیص را از بن بکنید. تعلیم و تعلم عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن و دعوت فرموده است. اندر جامعات شهرتانا و روستاها مردم را دعوت نیند و در مساجد و محلا، با سوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد دهند و نظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی، اعضای با سواد خانواده اعضای میواد را تعلیم کنند و میوادان از این امر سبچی بکنند. من از ملت عزیز امید دارم که با بهت والای خود، بدون فوت وقت، ایران را به صورت مدرسه ای در آوند و در حشر و روز در اوقات بیکاری، یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نیند. با خنیزید که خداوند تعالی با شما است. از خداوند تعالی سعادت و سلامت و رفاه ملت شریف را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

روح الله موسوی الخنیزی



حضرت امام خمینی «رحمة الله عليه» در پیام هفتم دی ماه و دستور تشکیل نهضت سواد آموزی به دو نکته اساسی تاکید فرمودند:

اول : بسیج عمومی برای مبارزه با بی سوادی

دوم : تبدیل فرهنگ وابسته به فرهنگ مستقل

پس از صدور فرمان تاریخی حضرت امام «رحمة الله عليه» هسته مرکزی نهضت سواد آموزی با حضور نمایندگان آموزش و پرورش ، جهادسازندگی ، نماینده روحانیت ، جهاد دانشگاهی شکل گرفت و به صورت شورایی اداره می شد. و این نهاد عهده دار تشکیل کلاس های سواد آموزی شد.

در نخستین اقدام ، با بررسی کتاب های موجود و با حذف آثار طاغوت ، محتوایی متناسب با ارزشهای انقلاب اسلامی تهیه و ارائه شد. نخستین کلاسهای سوادآموزی از اوایل سال ۱۳۵۹ زیر نظر شورای نهضت سوادآموزی تشکیل گردید. در سال ۱۳۶۰ با استفاده تجربیات گذشته ، ساختار دوره مقدماتی تدوین و بر اساس آن تشکیل کلاسهای مقدماتی به استانها و شهرستانها ابلاغ گردید.

در این سال کتاب فارسی با عنوان خواندن نوشتن توسط یک گروه هفت نفره با ترکیبی از دفتر مرکزی نهضت سوادآموزی و اعضای معرفی شده از استان تهران شکل گرفت؛ برخی از استانها در تهیه محتوای آموزشی پیشگام بودند که می توان از تالیف کتاب فارسی استان خراسان نام برد ، با ادغام و ترکیب این دو کتاب یک کتاب ملی تهیه و برای تدریس در کلاسهای سواد آموزی ابلاغ شد به دنبال چاپ و ارائه کتاب خواندن و نوشتن ( فارسی ) روش تدریس یا راهنمای تدریس این کتاب نیز توسط همین گروه تهیه و ارائه شد و به این ترتیب اولین کتاب برای آموزش بزرگسالان و سواد آموزی پس از انقلاب در سال ۱۳۶۰ به زیور طبع و نشر آراسته شد .

در طول سالهای ۵۸-۶۱ پس از تشکیل سازمان نهضت سواد آموزی، این سازمان ساختار تشکیلاتی مختلفی را تجربه نمود که تمامی این ساختارها بر مبنای توزیع وظایف و مسئولیتها طراحی شده بود . بعد از بررسی عملکرد چند ساله از عملکرد نهضت سواد آموزی، حضرت امام «رحمة الله عليه» به منظور تقویت برنامه های سوادآموزی حجة الاسلام و المسلمین محسن قرائتی را به عنوان نماینده خویش در این سازمان منصوب نمودند .

## ابلاغ نمایندگی به جناب آقای قرائتی از سوی حضرت امام «رحمة الله عليه» :

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد قرائتی دامت افاضاته

نظر به اهمیت امر سوادآموزی و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و با توجه به تجربیاتی که در این باب دارید، جنابعالی را به سمت نایب خود، سازمان نهضت سوادآموزی تعیین می‌نمایم. امید است با باطنی هر چه بیشتر با مسؤولان محترم این سازمان و وزارت آموزش و پرورش مسؤلیت‌سکنین خویش را بهتر انجام دهید. بدیهی است که کمک و مساعدت دست اندرکاران امر نهضت و وزارت آموزش و پرورش و استفاده از تمامی امکانات موجود پیروزی شمارا بر غیرت بی‌سوادگی که یکی از میراث‌های شوم نظام طاغوتی است سریع‌تر می‌نماید. از خدای تعالی موافقت شمارا در این راه مسکلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخنینی

در سال ۱۳۶۲ با تدوین راهنمای برنامه درسی کتاب ریاضی دوره مقدماتی تدوین گردید که سوادآموزان علاوه بر خواندن و نوشتن فارسی با مهارت‌های حساب کردن نیز آشنا شوند. این برنامه درسی در واقع برگرفته از برنامه درسی دوره ابتدایی بود و مسائل و مفاهیم دوره ابتدایی ارایه می‌شد.

در همین سال، کار گروه مذکور با همکاری و مشارکت مؤلفان دوره ابتدایی آموزش و پرورش و اساتید دانشگاه اقدام به تهیه و تالیف دو کتاب فارسی و ریاضی دوره تکمیلی نمود. با انتشار این کتب مجموع کتب دوره‌های مقدماتی و تکمیلی ۴ عنوان کتاب درسی و ۴ عنوان کتاب راهنمای تدریس به شرح زیر بود:

در اواخر سال ۶۲ با الهام از رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی مبنی بر جهت‌دار بودن برنامه‌های سوادآموزی دو عنوان کتاب آموزش روخوانی قرآن و فرهنگ و معارف اسلامی به مجموعه کتاب‌های دوره تکمیلی اضافه گردید به این ترتیب کتاب‌های دوره تکمیلی از دو کتاب به ۴ کتاب افزایش یافت.

در سال ۱۳۶۳ با هدف تقویت و توسعه برنامه‌های مبارزه با بی‌سوادی در کشور اساسنامه سازمان در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که در آن وظیفه اصلی نهضت الف) آموزش بزرگسالان در حد خواندن و نوشتن، و آموختن حساب ب) تربیت و بالا بردن سطح فرهنگ و نشر فرهنگ اسلامی مناسب با سوادآموزان

در محدوده ضوابط نهضت سوادآموزی با استفاده از ابزارهای هنری و تشویق و ترغیب بیسوادان و کم سوادان در یادگیری بیشتر جمعیت بی سواد کشور تعیین شد..

همچنین در این سال با طرح موضوع در شورای عالی آموزش و پرورش بحث ارزش برابری مدارک تحصیلی در مقایسه با نظام رسمی در آموزش و پرورش مطرح شد و لزوم تدوین دوره ای با عنوان دوره پایانی که مخاطبین علاقمند به ادامه تحصیل را بتواند به نظام رسمی کشور متصل نماید ضرورت پیدا کرد.

در بررسی عملکرد سازمان نهضت سوادآموزی از ابتدای تاسیس آن تا سال ۱۳۶۳ موارد زیر قابل تامل است:

۱- در فاصله زمانی صدور فرمان بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۷ دیماه ۱۳۵۸ تا انتخاب نماینده خود در سازمان، حرکت سوادآموزی و مبارزه با بیسوادی، توسط دستگاه های ذیربط (آموزش و پرورش، جهاد سازندگی، روحانیت، جهاد دانشگاهی و نهضت سوادآموزی) و بصورت شورایی اداره می شد و با توجه به فضای انقلابی جامعه، با همکاری تمامی نهادهای مردمی (از قبیل مساجد، کمیته های انقلاب، بسیج مستضعفین، کانونهای فرهنگی، انجمن های اسلامی، نیروهای مسلح، کارخانجات، کارگاه ها، اصناف و ... بصورت خودجوش و گسترده، اقدام به آموزش باسوادان با همکاری آموزش و پرورش، برای یاد دادن و تشکیل کلاس های سوادآموزی در تمامی فضاهایی که امکان تشکیل کلاس در آنها وجود داشت، کردند.

۲- اوج گرفتن حرکت فزاینده سوادآموزی و مبارزه با بیسوادی در کشور، بعد از صدور فرمان امام «رحمة الله علیه» مروهون زحمات بی شائبه مسئولین اولیه نظام بویژه اعضای شورای انقلاب است که از این میان می توان شهیدان مطهری، بهشتی، باهنر، رجایی و نمایندگان ولی فقیه در اکثریت استان های کشور از قبیل شهیدان صدوقی (یزد)، مدنی (تبریز)، اشرفی اصفهانی (کرمانشاه)، دستغیب (شیراز) و ... را نام برد. بویژه باید از شهیدان رجایی و باهنر به عنوان نخستین بانیان تشکل نهضت سوادآموزی، که هم جان خویش را بر سر راه تعلیم و تربیت جامعه در طبق اخلاص به خدای خویش تسلیم کردند، یاد کرد.

۳- علاوه بر موارد فوق نباید از خدمات صادقانه دست اندرکاران اجرایی امر سوادآموزی و مبارزه با بی سوادی، که از اولین روز صدور فرمان امام (ره) و در راه ارتقای سطح فرهنگ عمومی جامعه قدم برداشتند و حتی جان خویش را بر سر اینکار گذاشتند، غافل شویم، آنانی که در بدترین شرایط از لحاظ امنیتی و عدم وجود امکانات و ابزار مورد نیاز این رسالت بزرگ، با کمترین چشم داشتی، به اقصی نقاط صعب العبور و روستاهای کشور مهاجرت کردند، تا مبلغ و رساننده پیام امام «رحمة الله علیه» به محرومین و مستضعفین

جامعه باشند. آموزشیارانی که در جبهه های نبرد علیه دشمن بعثی، پایبند میثاق بزرگشان با امام عزیز بودند تا جان خویش را فدا کردند و حتی در خط مقدم جبهه ها، دست از مبارزه فرهنگی و مبارزه با بی سوادی بر نداشتند.

به منظور دست یافتن به اهداف تعیین شده، سازمان نهضت سوادآموزی اقدام به برنامه ریزی و اجرای طرح های مختلفی به منظور تحت پوشش بردن افراد بی سواد که اغلب از طبقات محروم و مستضعف بودند کرده و با لحاظ کردن شرایط مربوط به فرهنگ، زبان، سن و شغل آنها، آموزش سواد در دوره های مقدماتی، تکمیلی، پایانی، پنجم بزرگسال، طرح تحت پوشش بردن کودکان لازم التعلیم را در قالب طرح های به شرح زیر در اقصی نقاط میهن اسلامی به اجرا در آورده و نسبت به ارائه خدمات آموزشی حتی درسالهای دفاع مقدس و در کنار رزمندگان اسلام اقدام و همواره پرچم آموزش، نور و هدایت را برافراشته نگه داشت.

۱- طرح ضربتی

۲- طرح کارخانجات

۳- طرح سوادآموزی نیروهای مسلح

۴- طرح مدارس

۵- طرح مساجد

۶- طرح آموزش مکاتبه ای

۷- طرح سوادآموزی در زندانها

۸- طرح آموزش فرد به فرد

۹- طرح استفاده از دانشجویان

بر اساس آمار موجود؛ طی این سالها ۷۴۱ هزار نفر زیر پوشش برنامه های سوادآموزی قرار گرفته اند. در سال ۱۳۶۱ نهضت سوادآموزی طرح ضربتی سوادآموزی را مطرح کرد، لکن طرح یاد شده شکست خورد. طرح آموزش فرد به فرد در سال ۱۳۶۲ مطرح شد که بر اساس آن افراد باسواد خانواده بی سوادان را یاری می کردند تا به مهارت های سوادآموزی دست یابند. از آن زمان به بعد طرح های گوناگون دیگری به

اجرا در آمده است که شامل طرح های " گامی به سوی نور " ، "سرباز معلم " ، " لازم التعليم " و " مساجد " می شود. علاوه بر آن نهضت سعی کرده است که مهاجران جنگ تحمیلی، پناهندگان افغانی و عراقی، اسیران جنگی، سربازان و کارکنان دولت را زیر پوشش برنامه های خود قرار دهد. به استثنای سه سال اول فعالیت نهضت، به طور متوسط سالانه نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر در کلاس های سوادآموزی شرکت کرده اند.

آمارها نشان می دهد که همواره تعداد زنان تقریباً دو برابر تعداد مردان بوده است. این فرض وجود دارد که بی سوادان مرد به دلیل اشتغال و در نتیجه به خاطر کمبود وقت و خستگی مایل به تحصیل نباشند. البته باید توجه داشت که نرخ بی سوادی مردان معمولاً ۲۰ درصد کمتر از زنان بوده است. میزان متوسط قبولی در دوره های سوادآموزی طی سال های ۶۳-۱۳۵۸ برابر ۴۰ درصد بوده است. نکته جالب این که میزان قبولی زنان همواره از مردان بیشتر بوده است.

با بررسی تحلیلی از عملکرد نهضت سوادآموزی در سالهای ۵۸-۶۳ می توان عوامل زیر را در عدم توفیق و یا موفقیت در تحقق کامل اهداف تعیین شده برای این سازمان اثرگذار دانست :

### **الف- دلایل عدم توفیق**

۱- بروز جنگ تحمیلی و در اولویت قرار گرفتن موضوع دفاع مقدس « تحت الشعاع قرار گرفت سوادآموزی»

۲- نداشتن برنامه ریزی صحیح

۳- عدم توجه صحیح به بسیج همگانی

۴- نبودن نظام هماهنگ نظارت - ارزشیابی و کنترل

۵- نبودن طراحان آموزشی در اجرای طرح های مختلف

### **ب: عوامل تاثیر گذار در موفقیت**

۱- حمایت مسئولان طراز اول نظام از برنامه های سوادآموزی

۲- وجود نیروهای ارزشی، دلسوز و علاقه مند به خدمت

۳- عزیمت آموزشیاران به اقصی نقاط کشور حتی مناطق محروم و صعب العبور

۴- روی آوردن به نظام نیمه‌متمرکز در سازمان‌دهی کارهای آموزشی و سازمانی و فعال شدن دفترهای استانی

میزان رشد باسوادی طی سال‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵ در افراد بالای ۶ سال

سال	کل کشور	جنسیت		منطقه جغرافیایی	
		مرد	زن	روستا	شهر
۵۵	۵/۴۷	۷/۶۳	۳/۳۶	۵/۳۴	۵/۶۵
۶۵	۶۲	۸/۵۸	۲/۴۱	۹/۶۴	۱/۳۵
۷۵	۶/۷۹	۷/۵۰	۳/۴۹	۶/۳۷	۸/۶۲

#### منابع

- بررسی مسائل و ارزیابی عملکرد سوادآموزی در ایران، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۱.
- مهارت‌های آموزشی و پرورشی (جلد اول)، حسن شعبانی، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
- نشریه مرکز آمار ایران، ۱۳۸۲.
- سازمان نهضت سوادآموزی
- سایت وزارت آموزش و پرورش ایران <http://www.medu.ir>
- سایت سازمان نهضت سوادآموزی ایران
- سایت نهضت سوادآموزی استان یزد:
- آموزش و پرورش در ایران
- تاریخ معاصر ایران
- فرهنگ‌نامه: ایران. اقصا، رضا. شرکت سهامی کتاب‌های جیبی و انتشارات امیرکبیر (با هم‌کاری انتشارات فرانکلین)، ۱۳۴۶
- سایت حوزه
- اساسنامه‌ی سازمان نهضت سوادآموزی
- سایت تبیان [www.tebyan.ir](http://www.tebyan.ir)
- سایت [www.gharaati.ir](http://www.gharaati.ir)
- سایت [www.rasekhoon.net](http://www.rasekhoon.net)